

### ملتهای جهان از امپریالیسم امریکاهراسی ندارند واژگونه جلوه دادن هدف حرکتهای حق طلبانه ایرانیان بایستگی دادرسی جاسوسان امریکائی

در صفحه چهارم

## برکنده باد ریشه هر گونه انحصارگری

### این مبارزه در همه زمینهها و در همه جبههها باید انجام گیرد

یکی از بلاهای بزرگ ویران شدن جماعتها و حکومتها، انحصارگری است که بشیوههای گوناگون از کهنترین روزگار وجود داشته است. زمانی انحصارگری جنبه نژادی پیدا میکند و نژاد گرا گمان میبرد که تمام مواهب هستی و تمدنی بشر برای او بوده و رسالت تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه فقط در شان همزادان او میباشد و دیگر انسانها، یا باید مطیع و منقاد گردند یا در مسیر نابودی قرار گیرند. گاه انحصارگری جنبه به ظاهر دینی پیدا میکند و چنین دینداری تصور می کند که خدایتعالی بقیه در صفحه پنجم

## رسالت تاریخی نظام آموزشی زیبای پساکسازیهای غرض ورزانه

### ضرورت همسانی سطح آموزش در سراسر ایران

همراه هستند دشواریها چنان گسترده اند که باید خواستها را ناگزیر در قالب امکانات ریخت و با نظمی حساب شده به آنها رسید.

آیا به راستی میتوان باور داشت بفرجهائی که نظام آموزشی ایران با آن روبروست، بدون انجام یک دگرگونی ریشه دار پایان یافتنی باشد؟

بخوبی روشن است که ترکیب اجتماعی کشور روز بروز جوانتر میشود و بدین ترتیب باید رابطه سازنده جوانان را با اجتماع و آینده از راه پدید آوردن نظامی که پرورش تن و روان و آموزش هر چه گسترده تر آنها را در برداشته باشد تامین کرد.

بی گمان اجتماعی که فردا به دست جوانان امروز سپرده میشود باید بایشرفتهای جهان دانش و فن همساز باشد، بی آنکه پیوند از ریشههای فرهنگی خویش بگسلد. بقیه در صفحه چهارم

هدف نهائی پرورش و آموزش در یک نظام آرمانخواه، بدون تزئین، ساختن انسانهایی است آگاه و کارداران تاپایه گذاری آینده جامعه بر اساس استوار انجام گیرد.

آنچه برای اجرای این رسالت تاریخی مورد نیاز است توجه به شرایط عینی و عاملهای رشد چنین انسانهایی میباشد.

از آزادی و رشد به گونه دو عنصر بنیادی زندگی به مفهوم راستین انسانی که بهم دیگر پیوند خورده اند یاد شده است.

این هر دو باران رحمتی نیست که از آسمان فروبارد تا جامعه راه ناگهان از یک زندگی انسانی بدور از نابرابریها برخوردار کند. برآیند پیشگیریها و آینده نگریها و تدبیرهای در این راه همان است که در فرهنگ و آوازهها «برنامه ریزی» نام گرفته است.

در شرایط خاص رشد اجتماعهایی که دگرگونیها با تنشهای موزون باناموروز

## بهترین واحدهای کشاورزی به نابودی کشانده میشود با اهمیت ترین وظیفه وزارت کشاورزی و عمران روستائی

روستائی زمیندار شده به علت نداشتن آب، سدر، سم، کود و وسیلههای کاشت و برداشت، کاری از پیش نبرد و چه رود روند تولید روستائی ایران در هم ریخت و خرکتهای سارماهای گوناگون که بیشتر حنسه تسلیعائی داشت نیز انسجامی به بافت کشاورزی ایران در شکل جدید نداد.

با وجود ادعای اصلاحات ارضی بیشتر زمینهای قابل کشت همچنان در دست زمینداران بزرگ که بیشتر سرمایه دار هم بودند باقی ماند و با ایجاد بقیه در صفحه سوم

پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی فیریکارانه در نظام سلطنتی زیر سلطه استعمار، بافت کشاورزی ایران در چارچوب نظام سرمایه داری وابسته تغییر شکل ظاهری پیدا کرد.

در اثر اجرای آن قانون، بعضی از روستائیان قطعه زمینهایی بدست آوردند ولی در عمل، دولت نخواست یا نتوانست نقش خود را بخوبی انجام دهد و شرکتیهای تعاونی ساخته و پرداخته شده دستگاه بحر نابو و صدولی و میر چیز دیگری برای روستائیان به ارمغان نیاوردند.

## دشنام و دشمنه را به کناری نهید کار اصلی مردم انبار کردن غم شده است

### به استعدادها فرصت دهید

در کنار ناگواریهای جنگ که از چالاک نبودن سامان دهندگان آن برخاسته، دردزون کشور نیز بر زندگی ملی، حکایتیهای بس ناگوار می رود.

دولتمردان پریشانی اقتصاد کشور را به صدای بلند و عبارتهای روشن پذیرا شده اند ولی هر گروه گناه پدید آمدن چنین شرایطی را بر گروه دیگر بار می کنند. در این میان انبوه مردم، سختی و تلخی آن را می چشند، در همه خانوادهها و در همه دیدارها و نشستها، گفتگو از گرانی و بیکاری است.

آنان که پس اندازی اندک داشته اند و با آن روزگار می گذرانیدند اینک به آشفته گی نگران پایان یافتن پس انداز خود و گرانی روز افزون و شگفت انگیز هر کالا هستند.

گرانی از پس گرانی و بیکاری از پس بیکاری بر ایران دامن می گسترند و غبار فقر و نداری هر روز فضای کشور را تیره تر می سازد.

خانوادهها یکی از پس دیگری به گرداب تهیدستی و پریشانی کشیده می شوند و درون خانهها، کمتر از امید و شادی نشانی دارد و بر پایه آنچه از دولتمردان می شنوند، پدید آمدن نگرانی و دشواریهای بیشتر ز مزه می شود.

فرخندگی و بهر روزی را دیگر کمتر کسی امید می دارد و دیگر گفتگو از اندازه شوریدگی است که فرا خواهد آمد.

هر سختی و هر تلخی قابل تحمل میباشد و ملت ایران هم تحمل کرده و خواهد کرد، نه سختی و تلخی که از اینها بالاتر به هر جانفشانی هم ایستاده است ولی آنچه شوریدگی و پریشانی مردم را فراهم آورده، نابسامانی کارها و کم رنگ شدن پرتوهای امید است و بی خبری از روند زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور. مردم از همه چیز میهن خود بی خبر مانده اند، مردم گرانی را تحمل کرده اند و باز هم می کنند، ولی از یکدیگر می پرسند چرا این گرانی پدید آمده است، چه کسی یا چه کسانی آن را پدید آورده اند.

کدام سیاست یا سیاستها قیمتتها را به این حال فزاینده در آورده اند و سود این گرانی بهره چه کسانی می شود.

مردم از هم می پرسند این گرانی تا چه اندازه بالا خواهد گرفت و تا کی پی خواهد داشت و براین پرسشها هیچ پاسخی نمی یابند.

بقیه در صفحه دوم

## اربعین سرور آزادگان

چهل روز از عاشورای خوین حسینی گذشت، بر دیک به چهارده قرن ایرانیان مسلمان، یاد آن قیام درخشان حق طلبان را زنده نگهداشتند و آگاهانه، آموزش بر حاسنه و بر دوام از این بزرگترین حماسه های شهادت را سوگمندیاره نسلی به نسل دیگر انتقال دادند و سرانجام در اربعین ۱۳۵۷، در آن روز پرشکوه همسنگی ملی، قاطع ترین صحنه های خود را بر بیکر استبداد و استیلا به بیگانگان وارد آوردند.

امسال مردم نیا حاسنه در نبرد علیه تجاوز دولت نژاد گرای بعث به یاد دلیریهای شهیدان عاشورای حقیقت، در کربلای خونین ایران زمین با قلبی پرامید و وحدت خود را در لواء اسلام راستین برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب بار دیگر آشکار کردند.

مصاحبه با مسعود بارزانی

## مبارزه تاپیروزی نهائی دنبال می شود

### ارتش ایران و پیشمرگان کرد باید اکنون در قلب کشور عراق باشند

مسعود بارزانی رئیس حزب دموکرات کردستان عراق از هنگام شروع تجاوز دولت نژاد گرای بعث به ایران با همه نیرو برای درهم شکستن این تجاوز و گسترش جنگهای چریکی در درون خاک عراق میکوشد. بقیه در صفحه ششم

## نظام بیمه های اجتماعی باید دگرگون شود

### کارگران بخش کشاورزی امنیت شغلی ندارند

### حق خواستن درمان و آموزش رایگان

قانون تامین اجتماعی چون سایر قانونها و آئین نامه های وضع شده در «نظام سلطنتی» ایران در برگیرنده خواسته ها و برآورنده نیازهای کارگران ایران نمیشد. تنگناها و نارسائیهای قانون از سالها قبل شناخته شده و ساده ترین کارگران به نقطه های ضعف آن بخوبی آگاهی کامل دارند، ولی جو حاکم در گذشته مانع آن بود که فریاد اعتراض بلند گردد و به دشواری کارگران کوچکترین توجهی شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران کار بدستان نوید دگرگونی نظام تامین اجتماعی و قانون کار را بارها داده اند و کارگران آمادگی خود را جهت شرکت در تدوین این قانون بارها اعلام داشته و با صدور قطع نامه ها و پیشنهادهای مختلف کوشیده اند که دست اندر کاران را از برداشتهای و خواسته های خود آگاه سازند ولی با کمال تأسف با گذشت نزدیک به دو سال از پیروزی انقلاب کار تدوین این قانونها هنوز در خم کمیسیونها و بررسیها قرار دارد و هنوز وعده

## در سایه صفحه ها

گزارشی از دومین  
سالگرد شهادت استاد  
کامران نجات الهی

«ای دلیران وطن»  
شعری از ادیب  
پرومند شاعر ملی

از نامه ها و نوشتارهای  
رسیده

از نامه های رسیده

از خبرهای هفته

در حاشیه جنگ  
ایران و عراق

## در روند جنگ موجی نو و کوبنده پدید آورید.

ارگان حزب ملت ایران

### گزارشی از دومین سالگرد

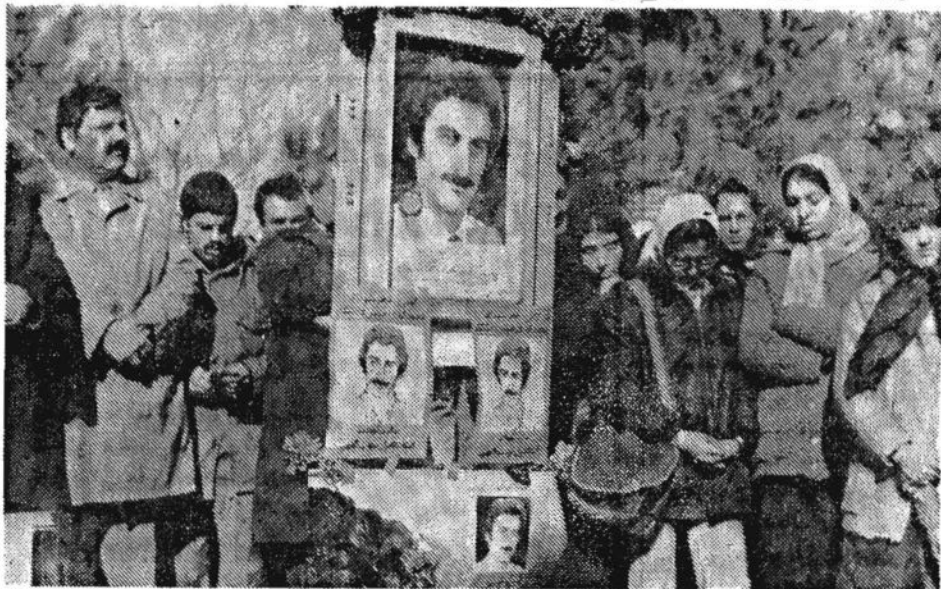
## شهادت استاد کامران نجات‌اللهی

نجات‌اللهی طی سخنانی پس از تجلیل از برادر خود گفت: باناکام ماندن طرح امریکا در حمله برق‌آسای عراق به ایران، اکنون زمره‌هایی پیرامون تجاوز مستقیم امپریالیسم امریکا و تصرف سه جزیره ایرانی خلیج فارس به گوش میرسد ولی این توطئه جدید برای نابودی انقلاب ایران نیز باشکست روبرو خواهد شد. خواهر استاد شهید نجات‌اللهی همچنین ابراز امیدواری کرد که هرچه رودتر دانشگاهها و مدرسه‌های عالی کشور گشوده گردد و آئین سومین سالگرد برادرش دریکی از این کانونهای دانش برگزار گردد.



حلقه گل شورای دانشگاهیان حزب ملت ایران به سوی مزار استاد شهید کامران نجات‌اللهی برده میشود

سیس پیام همسرگان اسناد شهید نجات‌اللهی را سخنگوی



مزار استاد شهید کامران نجات‌اللهی در دومین سالگرد

آنان خواند که در آن نیز بازگشائی مرکزهای آموزش عالی خواسته شده بود.

بعد از آن پیامهای دیگر از سوی چند گروه فرهنگی خوانده شد و اعلام گردید که بعضی از سازمانهای سیاسی نیز پیامهایی فرستاده‌اند که به علت کمی وقت از خواندن آن خودداری میشود.

شورای دانشگاهیان حزب ملت ایران نیز در این آئین حضور داشتند و حلقه گلی را که به گونه آرم حزب ساخته شده بود نثار آرامگاه استاد شهید کامران نجات‌اللهی کردند.

گفتار پرشور این داغدار و آرم‌نخواه بادرود به امام خمینی رهبر انقلاب و اعلام آمادگی برای نبرد بادولت بعث عراق پایان گرفت. آنگاه خواهر استاد شهید

روز جمعه پنجم دی ماه دومین سالگرد شهادت استاد کامران نجات‌اللهی بر مزار آن دلیر به خون خفته در گورستان بهشت‌زها قطعه ۲۴ برگزار گردید.

این آئین به دعوت خانواده نجات‌اللهی و همسرگان استاد شهید دانشگاه پلی‌تکنیک تهران برپا شده بود ولی در زیر بعضی از پلاکاردها و شعارها عبارت «کمیت بر گزاری مراسم پنج دی» به چشم می‌خورد.

آئین بزرگداشت در ساعت یازده بامداد آغاز گردید و نخستین سخنران آقای نجات‌اللهی عموی استاد شهید بود که چگونگی بخون کشیده شدن برادرزاده‌اش را در جریان تحصن دانشگاهیان به دست دژخیمان نظام سلطنتی شرح داد.



**بنام خدا**  
و لاتحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون  
پدر گرامی، حضرت آیت الله حاج سید عباس ابوترابی  
شهادت افتخار آفرین فرزند دلاور و متعهدتان مرحوم حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی در جبهه نبرد حق با باطل را تسلیت گفته و برای شما و خاندان محترمان که براستی مردم شرافتمند قروین درس پرهیزکاری و پایداری آموختان، از درگاه حدای بررگ صبر و شکیبائی طلب میکنم.  
باشد تا حقیقت پیروز شود و ملت بزرگ ما در لواء مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال خود را ساریابد و عدالت حدائی بر جهان سایه گستر گردد.  
با احترام فراوان  
دکتر ناصر تکمیل همایون

کشور، کاردانی‌ها و کارائی‌ها می‌خواهد به گستردگی همه افقهای تاریخ. از توانان باکم توانان دیگر کاری ساخته نیست، اینان بر خویش ستم می‌کنند و بر انقلاب و سر تاریخ از جبین درهم کشیدن و تند نشستن، به راستی دیگر هیچ بر نمی‌آید، آشفتنی‌ها زرفتر از آن است که با لاف و گراف بتوان بر آنها چیره شد.  
دولتمردان ایران بپوش باشید!!  
از گزافگویی بپرهیزید، از اسروان بهم کشیدن در گذرید، همتی جانانه کنید و دست از قدرتمداری بشوئید و به استعدادها فرصت دهید تا کارها را سامان بخشند و شوریدگی‌ها را پایان دهند.  
دشنام و دشمنه را به کناری نهید و فضیلت را به میان آورید، این تنها راه بیرون شدن از تنگناهاست و هر راه جزاین بروید، بیخ درختی بریداید که خود بر شاخ آن نشستاید و آنگاه الفسوس و الفسوس بر فردای شما و فردای انقلاب و فردای مردم.

## دشنام و دشمنه را به کناری نهید

زنان و کودکان نان‌آور خانواده خود را بیکار و آشفته خاطر می‌یابند، آهسته در گوش هم نجوا می‌کنند که چرا بیکاری چنین گسترده شده و چه زمانی این فاجعه پایان خواهد یافت و آیا باز هم بردامنه بیکاری افزوده میگردد و بر پرستشهای خود پاسخی نمی‌یابند و اگر پاسخی هم از این وان بشنوند، پاسخی است به شدت نگرانی آور.  
در این میان دولتمردان سخت بریکدیگر تاخت می‌آورند، هر کدام برد دیگری تهمت ناتوانی و رفتار بی‌قانون می‌زند و هر کدام از مردم می‌خواهند که به پشتیبانی گروه وی، بر گروه یا گروه‌های دیگر دشنام دهند و مردم، با آنکه سخت دریند پریشانی‌های خویش‌اند، در گروه‌ها بخش شده‌اند و گاه، کار از دشنام به دشمنه می‌کشد و سپس خبر می‌رسد که تنی چند در اینجا و آنجا زخمی شده و یا روی در نقاب مرگ کشیده‌اند. کشتن و زخم زدن بر مردم آن چنان رایج شده است که دیگر باز گفتن رویداد آن شگفتی یا همدردی بر نمی‌انگیزد.

مصیبتها چندان فزون شده که هر مصیبت که فراز آید، دیگر جبین‌ها به درد درهم نمی‌کشد، به قول خواجه شیراز «هردم غمی از نو به مبارکباد می‌آید» و به قول سعدی «گویم این نیز نهم بر سر غمهای دگر» و به راستی کار اصلی مردم انبار کردن غم شده است.

اگر در میدان کارزار هزاران مرد جنگی میهن بر خاک افتند و اگر در زیر باران بمب دشمن بخش بزرگی از شهرها و روستاهای آباد کشور و ایران گردد هرگز چندان اندوه نمی‌آید که شنیده شود، مردم بریکدیگر تیرباریداند و تنی چند از یکدیگر را به بیمارستان و گورستان فرستاده‌اند.

آنگاه که در روزنامه خوانده میشود که دوشیزهای نوجوان به نام مژگان اسدی در دبیرستان دخترانه خرم‌آباد به ضرب گلوله، غنچه زندگیش ناشکفته به نیستی گرائیده است. دردناکی روزگار آشکار میگردد و دردناکتر آنکه خوانده می‌شود که پدر این دوشیزه از بیم سیاستگران رنگارنگ بیکراز هم دریده فرزند گرامی خود را، شبانه و ناشناس به خاک می‌سپارد.

این فاجعه و فاجعه‌های نظیر آن از سیاه‌ترین ورقهای تاریخ ایران است، چرا و از بیم کدام قدرت است که پدری نوجوان خود را در تیرگی شب به قبر می‌کشد.

در شهری و کشوری که چنین پریشانی رخ نموده است دیگر چگونه خانواده‌ها به آرامی می‌خسبند و دیگر مادران به کدام امید فرزندان خود را راهی دبستان و دبیرستان می‌سازند.

پیدائی این صحنه‌ها هرگز بر کسی خوشایند نیست و لی دولتمردن باید بیشتر از هر کس از این رویدادها به رنج و نگرانی افتند.

دولتمردن چگونه می‌توانند، اینهمه نابسامانی را ببینند و آسوده به خسبند، دولتمردن باید به یکباره بر این آشفتنی و اندوزدائی‌ها پایان بخشند.

در فردای پیروزی نه خانواده مژگان اسدی، و نه هیچ خانواده دیگری تصویری از چنین رویدادهایی نداشتند. ایشان هرگز نمی‌پنداشتند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران بار دیگر تفنگها در مدرسه‌ها به صدا در خواهد آمد.

انقلاب از آزادی و مهر و مردمی سخنها داشت، چرا آن سخنها را از یاد بردمانند.

انقلاب از بهروزی و فرخندگی حکایتها می‌سرود، چرا این حکایتها را بازگو نمی‌کنند.

روی سخن با دولتمردن است و با روشنی به ایشان اعلام میگردد که گردانندگان کارهای کشور بدین‌سان بر آنان هیچ افتخاری بار نخواهد کرد.

تهمت‌ها که بر یکدیگر بار می‌کنند، هیچ از مسئولیت آنان نخواهد کاست، همه دولتمردان در برابر این رویدادها و این نارواییها مسئول هستند.

هیچکدام با هیچ توجیهی نخواهند توانست دامان خود را از لکه این زشتیها دور بدارند.

پدید آمدن اندیشه‌های ناروا در ذهنهای برخی از جوانان و نوجوانان کشور چیزی تازه نیست اما راه زدودن این اندیشه‌ها بر کشیدن دشمنه و باریدن فشنگ نیست.

اداره کردن یک کشور در سیر انقلابی چنین جوشان، آگاهی‌ها و دریاتها و توانائی‌های بسیار می‌خواهد.

آنان که اداره کشور را کاری روان می‌پندارند، باید این پندار را از سر به در کنند و باید که در خویشتن بنگرند و به درستی و راستی هم بنگرند و اگر دریابند که توانائی‌های لازم برای اداره کشور را ندارند، به یکبار دست از دولتمداری بردارند و جای به دیگر کس پردازند و اگر چنین نکنند فرمان تاریخ آنان را به سرافکنندگی بدین کار ناگزیر خواهد داشت.

این جوشندگی را که در میهن ما پدید آمده، به آسانی نمی‌توان فرو نشاند و اداره ایران در این شرایط از هر کس ساخته نیست.

به راه انداختن دوباره چرخ اقتصاد و به سامان کردن اندیشه‌های جوانان و روشن داشتن فضای زندگی اجتماعی

ارگان حزب ملت ایران

# بهترین واحدهای کشاورزی

واحدهای مکانیزه و نیمه مکانیزه، بصورتی دیگر کشاورزی را زیر سیطره گرفتند و این بار فارغ از تعهدهای سنتی خود در برابر روستائی، ضمن استفاده از ماشین‌های گوناگون، در صورت نیاز، وی را به صورت روزمزد به استثمار درآوردند.

از طرفی دیگر نیز سود جویان و فرصت طلبان با اطلاع از عدم توانائی مالی روستائیان، اندک زمین تقسیم شده را با حیل‌های رنگارنگ از دست آنها درآوردند و به اختیار خود گرفتند. سیاست کشاورزی آن نظام زیر سلطه با تخصیص اعتبارهای فراوان جهت احداث واحدهای مکانیزه کشاورزی و واحدهای صنعتی و نیمه صنعتی وابسته به فرآورده‌های تولید شده در این رشته، قیافه کشاورزی ایران را بطور کلی دگرگون کردند.

سرمسایه داران، دلانان، بازنشستگان کشوری و لشگری دست اندر کاران حکومت، جهت کسب در آمد بیشتر و دریافت اعتبارهای سرسام آور که به بخش کشاورزی اختصاص داده شده بود به یکباره هوس کشاورزی و باغداری و پرورش گاو، گوسفند مرغ و ماهی کردند و با گرفتن وام‌های سنگین طرح‌های بزرگی را به تصویب رساندند که اگر اعتبارهای دریافتی به مصرف پیدا کردن آنها رسیده بود به یقین می‌توانست برغم ولخرجیها با ایجاد واحدهای مدرن، نیاز کشور به مواد غذایی را تا حدود زیادی مرتفع سازد.

ولی از آنجائیکه هدف فقط کسب اعتبار و دریافت وام‌های سنگین برای مصارف دیگر بود از مجموع چند هزار طرح تصویب شده توسط سازمانهای دولتی و بانکها تعداد کمی از آنها با دیر کرد فراوان، با استفاده از دستگاه‌های صاحب قدرت آن روز به مرحله اجرا در آمد.

از طرف دیگر دولت با ایجاد سدهای بزرگ بخصوص سد دز و همچنین بوجود آوردن امکاناتی دیگر در گوشه و کنار کشور واحدهای بزرگ کشت و صنعت پدید آورد که با صرف میلیاردها ریال هزینه از بودجه کشور توأم بود و از شبکه‌های آبیاری و ماشین آلات مجهری برخوردار و چنانکه صحیح عمل می‌شد هزاران هکتار زمین به زیر کشت می‌رفت.

وابستگان حکومتگران نیز با در اختیار داشتن کلیه امکانات، بجهت سود جوئی دامداری‌ها، مرغداری‌ها و باغهای وسیع در گوشه و کنار کشور بوجود آوردند و بساط استثمار را از شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین نقاط کشور گسترده کردند.

در نتیجه روستاهای کشور از سکنه تهی و کشاورزان برای کسب در آمد بیشتر راهی شهرها شده و یا به مزدوری در واحدهای یاد شده در آمدند و فقط عده کمی از آنها که با آب و خاک پیوند ناگسستنی داشتند در سطح روستا باقی ماندند و بارنج بسیار به کار کشاورزی و دامداری پرداختند که در آمد و دسترنج آنان نیز نصیب سلف‌خسرها

# از خبرهای هفته

## اعلام جرم دفتر هماهنگی

دفتر هماهنگی همکاریهای مردم با رئیس جمهور هفته گذشته علیه شخصی بنام رضوانی، اهل قم، اعلام جرمی تسلیم دادسرای عمومی شهرستان قم نمود.

متن این اعلام جرم بشرح زیر است: «بسمه تعالی- ریاست محترم دادسرای عمومی قم- احتراماً در تاریخ بیست و پنجم آذرماه ۱۳۵۹ شخصی بنام رضوانی در صحن مطهر حضرت معصومه (ع) در شهرستان قم مطالبی کذب و خلاف واقع علیه دفتر هماهنگی همکاریهای مردم با رئیس جمهور، دال بر دخالت این دفتر در طرح ترور چهل نفر از علمای تراز اول اظهار نموده است.

نظر به اینکه عمل نامبرده جرم و قابل تعقیب کیفری است، علیهذا باستناد بند ب ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی تقاضای تعقیب کیفری نامبرده را دارم.»

## تعطیل دادگاههای نظامی در فیلیپین

بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه از مانیل، فردیناند مار کوس، رئیس جمهوری فیلیپین طی فرمانی انحلال تمامی دادگاههای نظامی و نیز مرکزهای تعقیب و دستگیری وابسته به این دادگاهها را اعلام کرد.

اتخاذ این تصمیم از سوی رئیس جمهوری فیلیپین برای تهیه مقدمات لغو حکومت نظامی که از هشت سال پیش تاکنون بر این کشور حکمفرما است، صورت میگیرد.

مار کوس طی سخنانی که در مراسم چهارم و یکمین سالگرد تأسیس نیروهای نظامی فیلیپین ایراد میکرد، ضمن اشاره به این مسأله اضافه کرد قصد دارد ماه آینده قانون حکومت نظامی را لغو نماید.

وی همچنین افزود در بهبود وضع آزادی مطبوعات و آزادی اجتماعات نیز تجدید نظر خواهد شد!!

## برگزاری کنفرانس اسلامی در عربستان

خبرگزاری فرانسه گزارش داد دفتر دبیر کل کنفرانس اسلامی خود را برای برپائی سومین اجلاس کنفرانس که ماه آینده در مکه برپا خواهد شد، آماده میکند.

خبرگزاری عربستان در این رابطه اعلام کرده است کنفرانس یک پیش نویس حقوق بشر اسلامی را که توسط هیئت متخصصان در کویت آماده شده است مورد بررسی قرار خواهد داد.

بر اساس همین گزارش کمیسیون بیت المقدس طی هفته جاری ملاقات‌های خود را در ریاض آغاز خواهد کرد و تحولات اخیر جهان عرب را مورد بررسی قرار خواهد داد و گزارشی را پیرامون استراتژی مسئله بیت المقدس و فلسطین به کنفرانس تقدیم خواهد نمود.

## مردم انگلیس با جدائی ایرلند موافق هستند

به گزارش «ساندی تایمز» در یک نظر خواهی که از مردم انگلیس بعمل آمده شصت و سه درصد از رأی دهندگان انگلیسی مخالف باقی ماندن ایرلند بعنوان قسمتی از انگلیس هستند.

و امروز برای اداره کنندگان این بنیاد بهترین واحد، واحدهائی بشمار میرود که فقط هزینه‌های خود را تأمین نمایند، در صورتیکه این واحدهای تولیدی هر یک چنانچه به نحو درست و فنی اداره شود دارای بهره‌وری شایسته و سود سرشاری می‌باشند.

عدم مدیریت، سود جوئی و انحصارگری و ناهنجاری را در این نهاد انقلابی بوجود آورده که به عنوان نمونه بانگی که به نصیری تعلق داشته و در تنکابن قرار دارد و بنا به گفته خبرگان محلی سالیانه تنها سه الی چهار میلیون تومان محصول مرکبات دارد به فردی به مبلغ هفتصد هزار تومان به اجاره داده شده است و بدینگونه حتی که به مردم تنگدست تعلق دارد به افراد صاحب نفوذ هدیه میدهند.

بسیاری از واحدهای کشاورزی دیگر نیز به علت‌های مختلفی در اختیار دادرهای انقلاب

در این نظر خواهی تنها بیست و سه درصد از رأی دهندگان ابراز تمایل کرده‌اند که ایرلند شمالی همچنان جزو خاک انگلیس باقی بماند.

این نظر خواهی هنگامی انجام گرفت که «یانریزلی»، یکی از رهبران پروتستان ایرلند شمالی، خواهان برگزاری آن شده بود.

## پیام بن بلا به سران کشورهای عربی

احمد بن بلا نخستین رئیس جمهور انقلابی الجزایر که چندی پیش پس از پانزده سال از زندان و تبعید آزاد شد طی پیامی از کشورهای عربی خواست تا خود را از غرب جدا ساخته و به منابع حیاتی اقتصادی و سیاسی خویش اکتفا کنند.

بن بلا طی مصاحبه‌ای با روزنامه لبنانی «السفر» اظهار داشت مهمترین دشمن کشورهای عربی نفت است که سبب ایجاد موانعی در تحولات و روابط طبیعی در جهان عرب شده و باعث میشود عربها حالت توازن خود را از دست بدهند.

وی در این مصاحبه اضافه کرد دنباله‌روی از غرب کار بسیار اشتباهی است. چرا ما نتوانیم سیاستهای خویش را دنبال کرده و به کشاورزی خود تکیه داشته باشیم.

وی گفت مناسب‌ترین راه رسیدن به (هدفهای) انقلاب دموکراسی واقعی است و اظهار داشت اکنون مستقاعد شده است که روشهای سوسیالیستی و کاپیتالیستی نمیتواند حلال دشواریهای انسانی باشد.

## تصمیم‌های جدید اوپک

وزیران نفت اوپک در نشست اخیر خود در بالی (اندونزی) در فضائی که بخاطر جنگ عراق با ایران با تشنج همراه بود، قیمت جدید نفت خام مرغوب را به میزان بشکهای چهل و یک دلار تعیین کردند. اما هنگام اجرای این فرمول عده کمی از سیزده عضو اوپک بهای نفت خود را به این سطح خواهند رساند. اوپک برای نفت سبک عربستان سعودی که بطور سنتی به عنوان پایه محسوب می‌گردد سی و دو دلار قیمت تعیین کرده است.

عربستان سعودی اعلام کرد که از تاریخ اول نوامبر دو دلار بهای نفت خود را افزایش داده است. بلقاسم بن وزیر نفت الجزایر اظهار داشته است قیمت‌های جاری نفت نه منعکس کننده ارزش واقعی این ماده است و نه معرف پانزده درصد تورم جهانی سال ۱۹۸۰.

وی افزوده است که کشورهای صنعتی با اتخاذ خط‌مشی انباشتن نفت که در عمل باعث انتقال ذخایر نفتی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته میشود به بازار نفت فشار می‌آورند.

بلقاسم بن تأکید کرد بر برگزاری اجلاس کشورهای اوپک بهترین پاسخ برای کشورهایی است که در تلاش بودند از جنگ فعلی بین دو کشور عضو و بنائی اوپک بهره‌برداری کنند.

## در حاشیه جنگ ایران و عراق

خبرنگار خبرگزاری چین از بغداد گزارش داد به عقیده ناظران، ارتش عراق در حالی نیروی خود را از دست داده است که ایرانیان تازه تعرض خود را با آمادگی کامل آغاز کرده‌اند. روزنامه گاردین در گزارشی از بغداد نوشت بر غم تمام ادعاهای بی‌اساس رژیم بغداد، تلفات سنگین واحدهای مکانیزه عراق در ایران از نظر کارشناسان نظامی دلیل عدم موفقیت و شکست عراق در این جنگ میباشد.

صدای انقلاب عرب، که از لبنان پخش میشود، در یکی از برنامه‌های هفته گذشته خود، ضمن حمایت کامل از انقلاب ایران، تجاوز نفرت انگیز عراق به ایران را به شدت محکوم کرد.

سوریه و یمن جنوبی در بیانیه مشترکی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است این جنگ انقلاب اسلامی ایران را که هم پیمان و پشتیبان حقیقی ملت عرب و موضعی فلسطینی‌ها است تضعیف میکند.

سازمان عفو بین‌المللی در گزارش سالانه خود یک گزارش شش صفحه‌ای را به مورد‌های مکرر اعمال شکنجه در زندانهای عراق اختصاص داده است.

طارق عزیز، معاون شورای انقلاب عراق، هفته گذشته هنگام بازگشت از هوانا وارد پاریس شد.

از آغاز جنگ عراق علیه ایران، این سومین باری است که طارق عزیز از پاریس دیدن میکند.

سفیر سوریه در تهران اعلام کرد صدام حسین بدون شک سرنگون خواهد شد. وی گفت ملت عراق هیچگاه صدام را بخاطر این تجاوز نخواهد بخشید.

رادبو اسرائیل اعلام کرد صدام حسین گفته است عراق در جنگ با ایران جبهه جدیدی گشوده است.

بنابه همین گزارش صدام حسین گفته است وی آمادگی برقراری آتش‌بس منظوراً آغاز مذاکرات سیاسی میباشد ولی بافراخواندن نیروهای خود قبل از تأمین خواسته‌های عراق موافقت ندارد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس اعلام داشت آمریکا هشت موتور کشتی جنگی به عراق میدهد.

آیت‌الله سید محمد شیرازی در پیامی به مردم عراق از آنها خواست بمناسبت اربعین همه بسوی کربلا سرازیر شوند. در این پیام مردم عراق به ادامه‌ی اعتصاب و مبارزه و جنگ علیه نظام بعثی عراق دعوت شده‌اند.

# ملتهای جهان از امپریالیسم امریکاهراسی ندارند

## بایستگی دادرسی جاسوسان امریکائی

امریکا در جنگهای ویتنام نابود شد. روال حیثیت ملی آمریکا را میلیونها فلسطینی آواره در سالیان دراز، گواهی کردهاند. سالها است که سیاهپوستان میسسیسیپی و لوئیزیانا بر باد رفتن حیثیت ملی آمریکا را به جهانیان اعلام می‌دارند.

امپریالیسم امریکا و همدستانش در گوشه و کنار جهان باید بدانند که با تجاوز دیگر برای آنها حیثیت ایجاد نخواهد شد.

ملتهای جهان دیگر از امپریالیسم امریکاسلاحهای مرگبارش هراسی به دل راه نمیدهند.

مردم دنیا بی‌حیثیتی آمریکا را دیده‌اند و دریافته‌اند و احترام خود را از آن دریغ می‌دارند.

آنچه در ایران می‌گذرد بی‌حیثیتی آمریکا را پدید می‌آورد است بلکه این بی‌حیثیتی از پیش فراهم آمده بود و ایرانیان تنها آبرایانگ زدند.

**حیثیت هر حکومت در شیوه‌های رفتاری آن با مردم خود و سایر مردم جهان می‌باشد و نظامی که بریفمای مردم خودی و بیگانه استوار است در هیچ حال نمیتواند از حیثیت بهره‌مند شود.**

زامداران آمریکا به عیب تلاش می‌کنند تا بی‌آبرویی کشور خود را در جهان به مبارزه ملت ایران نسبت دهند. بی‌آبرویی امپریالیسم آمریکا از درهم شکستن همه مرزهای اخلاق حوشیده است.

اگر این کشور پای بند ارزشهای اخلاق می‌ماند نه مردم ایران و نه مردم هیچ سرزمین دیگری ایسان بران نمی‌خروشیدند و ایسان باران خشم بر آن نمی‌ریختند.

### واژگونه جلوه دادن هدف حرکتهای حق طلبانه ایرانیان

آن حکومتی که با چرخاندن چرخهای ناسودسازی می‌خواهد در جهان برای خود مقامی فراهم آورد و آن حکومتی که زندگی و عشق و امید انسانها را به بهانه اندکی زر به آتش می‌کشد و سرانجام آن حکومتی که در سرتاسر کره زمین به نام و نشان سوداگر مرگ خوانده شده چگونه جرئت می‌کند در پیشگاه ملتها به ایرانیان آزاده ناسزا بگوید.

هر دشنام که از زبان دولتمردان امریکا به سوی مردم ایران روانه شود، نشان بزرگواری و توانمندی ایسان است.

سوداگران سیری ناپذیر بیهوده می‌بندارند که با درشتگوئی و ناسزا پراکنی آنها ایرانیان میدان نبرد را رها خواهند کرد، این مردم برپیمان خود با آزادی وفا دارند و در نگهداشت «حاکمیت ملی» از هیچ کوششی باز نمی‌ایستند.

خواسته اصلی ملت ایران در مبارزه با امپریالیسم امریکا، فرو کوفتن این ابرقدرت جهانخوار می‌باشد تا برای همیشه از تجاوز به حریم استقلال کشورها باز ایستند.

**امپریالیسم امریکا در طی دوران هستی خود به همه زمینهای بنیادی زندگی ملتها هجوم کرده و به استقلال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها لطمه‌های جبران ناپذیر وارد آورده است.**

این ابرقدرت، به مانند «ازدهای هفت سری» می‌باشد که بر پنج قاره جهان

فرارودیده و همه جلوه‌های زندگی بشری را به ستیز گرفته است و همه آزادگان باید به سرکوب کردن آن برخیزند.

بی‌جهت نمی‌باشد که با بررسی آنچه برانقلاب ایران گذشته، امام خمینی این امپریالیسم سیه کردار را «شیطان بزرگ» نامیده است.

وظیفه پرهیز کاران و پاکدامنان درست اعتقاد در برابر «شیطان» چه میتواند باشد. آیا میتوان با شیطان از در مدارا درآمد، آیمی‌توان با شیطان قرار گذاشت که در آینده دست از تسهکاری بردارد، آیا می‌توان انتظار داشت که حتی یک دم و یا در یک زمینه این شیطان تردانم از تنه انگیزی و فساد پراکنی دست کشد.

به هیچ‌روی نباید در انتظار آن نشست که امپریالیسم امریکا در راهی منطقی یا عادلانه حرکت کند و به هیچ‌روی نباید انتظار داشت که این ابرقدرت خواسته‌های بحق و شرافتمندانه ملت ایران را بپذیرا بشود.

باید در هر برداشت، در هر آمد و رفت و در هر گفت و شنود ماهیت امپریالیسم امریکا را در خاطر داشت و باید در هر نوشته و در هر پیام به یاد آورد که در روبرو چه توطئه‌گری ایستاده است.

در یاد داشتی که به عنوان خواسته‌های ایران از امریکا تهیه و به نمایندگان الجزایر تسلیم شده، این نکته‌ها به عمد یابا اشتباه مورد رعایت قرار نگرفته است.

در این نوشته از سابقه دسیسه‌ها، جنایت‌ها، یغماها، جعل‌ها، رشوه‌گیریها، کلاهبرداریهای امپریالیسم امریکا و فرستادگان و گماشتگانش در میهن ما بالاتر از همه از تجاوز به حق «حاکمیت ملی» ایرانیان، یاد نشده و تنها خواسته‌های مالی عنوان گردیده است.

همین غفلت به امپریالیسم امریکا و دستیاران بداندیش آن فرصت آوازه‌گریهای خلاف واقع داده است و در این چند روزه دستگماهیهای تبلیغاتی جهانخواران هدف حرکتهای حق طلبانه ملت ایران را واژگونه جلوه داده پیرامون باج خواهی از راه گروگانگیری سرو صدا بلند کرده‌اند.

طرح خواسته‌های مالی یا در حقیقت تلاش برای بازستاندن داراییهای ایران از امریکائیان بسیار بجاست و بی‌تردید در یک حسابرسی درست، روشن میشود که میزان آن خیلی زیادتر می‌باشد حتی اگر غارتگریهای مستقیم و غیر مستقیم این سوداگران بی‌آزم پیش کشیده نشود.

ولی دولتمردان جمهوری اسلامی ایران، می‌باید در جریان تماسها و گفتگوهای نابجائی که شروع کرده‌اند و بهنگام تنظیم یادداشت خود، به حيله‌گریهای دشمن توجه کافی میکردند و خواسته اصلی ایرانیان را به شایستگی طرح مینمودند.

**اینک هم تا زمان از کف نرفته و دشمن نیرنگ باز با صدها وسیله که در اختیار دارد به اعتبار خواسته اصلی ایرانیان یعنی نگهداشت حق حاکمیت ملی و به کيفر رساندن توطئه‌کنندگان علیه آن، بیش از این لطمه زده است باید با همه نیرو به روشنگری پرداخت.**

حزب ملت ایران بارها پیشنهاد خود را برچگونگی تعیین تکلیف جاسوسان امریکائی طرح کرده است و اکنون هم بر اجرای آن پنا می‌فشارد.

در اعلامیه‌ای که در سوم آبانماه ۱۳۵۹ یعنی هنگامیکه «بازیهای سیاسی» تازه‌ای آغاز شده بود زیر عنوان «ضرورت دادرسی جاسوسان امریکائی» (از سوی دبیرخانه حزب ملت ایران صادر گردید آمده است) واژه‌ها و عبارتها همه تغییر کرده و پر خاشجویی آغازهای اشغال جاسوستخانه جای خود را به نرمش داده است و دست اندر کاران دانسته یا ندانسته، فضا را چنان آماده میدارند که بتوان جاسوسان زندانی را بی هیچ دادرسی و کيفر، آزاد ساخت.

برآیند شرایطی که پیرامون تعیین تکلیف جاسوسان امریکائی فراهم آمده در مردم نگرانی بسیار پدید آمده است.

در جای دیگر این اعلامیه آمده است «حزب ملت ایران در هر فرصت زمینه‌های حقوقی، سیاسی و تاریخی، دادرسی جاسوسان امریکائی بازداشت شده را بر شمرده و بر ضرورت آن تاکید کرده است. در حال حاضر به دادرسی کشیدن ایسان که به داوری تاریخ کشاندن سالیان دراز تجاوز امپریالیسم امریکا بر ایران را در بردارد، بعدی دیگر بخود گرفته است و هیچ کوتاهی در این باره بخشودنی نمی‌باشد.»

**با همه ندانم‌کاریها، هنوز هم فرصت باقی است و نباید گذارد چهره تابناک یک حرکت تاریخی که پی‌آمدهای بزرگی در زندگی ملتها دارد با خطاکاریهای نابخردانه، گذر شود.**

درنگ در دادرسی جاسوسان امریکائی بیش از این روا نیست و باید هر چه زودتر ترتیب آن با تشریف‌هایی که در قانونهای کيفری ایران پیش‌بینی شده داده شود.

این دادرسی قانونی به هیچوجه مانع آن نخواهد بود که ایران برای بازستاندن ثروتها و جبران خسارتهای خود از هر وسیله یا نهاد ملی یا بین‌المللی در هر کجا باشد حتی در درون امریکا استفاده نکند.

## رسالت تاریخی

حال آنکه در صورت استفاده درست از امکانات و روشهای جدید در قالب یک برنامه‌ریزی سنجیده و از راه پدید آوردن تغییرهای اساسی در انتخاب کادر آموزشی شایسته بی‌آنکه اسیر خشک سری‌های زشت گردید، میتوان به این تضاد جهانی پایان داد و حتی آنرا به جریانی بدل نمود که با اثر گذاری گسترش‌های کمی و کیفی بر یکدیگر بگونه‌ای انگیزهای در جهت پیشبرد هدفهای ملی درآید.

بررسی نظام آموزشی کشور نشان دهنده‌ای این حقیقت تلخ است که در آن نسبت به نیازمندیهای جامعه‌ی ایران، نسبت‌سنوشت آینده جوانان، هیچ نشانی از تعهد دیده نمیشود و باقی ماندن نهادهای آموزشی در شکل کنونی سدی است در برابر ایفای رسالت‌های تاریخی و دوران سازندگی انقلاب.

ملتی که در گسترده زندگی پرفرازو نشیب خود آفریننده‌ی فرهنگی شکوهمند بوده و در زمینه‌های فلسفی، علمی و اخلاقی دست آوردهای ویژه‌ای داشته با انقلابی همه‌جانبه فرصت یافته است تا رها از سلطه بی‌سگانه، یکبار دیگر کارساز تعالی انسان گردد.

تنها چگونگی نظام آموزشی و قابلیت تفاهم نهفته در آنست که میتواند ابزاری برای نگهداشت جدول از زشهای انقلاب باشد.

باید افزون بر ارزش‌هایی که ضامن بقای هستی ملت میباشد، ارزش‌های تازه‌ای بوجود آورد تا یکپارچگی و پویایی ملی در دنیای پر تلاطم کنونی پایدار بماند.

یکی از بغرنجهائی که در چارچوب شالوده‌های فکری و سازمانی و برداشتهای نظام آموزشی به ارث رسیده از دستگاه استبدادی وابسته به بیگانه وجود دارد، موضوع تضاد درونی است که در مجموعه آن به چشم میخورد و برغم شعارهای فریبنده دست‌اندر کاران در دوران بعد از انقلاب هم دراز میان بردن این تضاد هیچ گام بنیادی برداشته نشده است.

در ایران اکثریت مردم به علت‌های گوناگون که بحث آن در این اندک نمی‌گنجد از پرورش و آموزش بی‌بهره مانده‌اند و این امکان نه در نظام گذشته در پهنه آوازه‌گری دروازه‌های تمدن بزرگ!! پدید آمدو نه با افسوس فراوان در نظام انقلابی که نوید استقرار عدالت اجتماعی را میداد! ولی بهر حال با گسترش رابطه‌های اجتماعی و بخصوص با دگرگونی دامنه‌داری که در زندگی ملی رخ داد، مردم به داشتن این حق انسانی آگاهی یافتند.

خواست همسانی فرصت‌های آموزشی به بهانه‌ی اینکه بر آوردن آن کیفیت تحصیل را در خطر خواهد انداخت مدتها با ایستادگی‌های سودجویانه روبرو

# برکنده‌بادریشه‌هر گونه انحصارگری

جهان را فقط برای پیروان آن دین خاص آفریده است و الطاف و مراحم الهی فقط شامل حال پیروان آن دین میشود.

انحصارگران از این نوع گاه بیان میکنند که «خدا» از آن آنهاست و چون یهودیان، خدای جهانیان را تا حد، خدای قوم اسرائیل پائین می‌آورند، نزد این گروه گوئی دیگر قوم‌ها یا خدا ندارند و یا خدای آنها، خدای دیگر است.

**هنگامی انحصارگری جنبه فرهنگی و عقیدتی و ایدئولوژیک پیدا میکند، و صاحبان فرهنگ و عقیده ایدئولوژی خاص، چنین می‌اندیشند که فقط همگنان آنها رستگارند و بس و بقیه مردم که در آن فرهنگ پرورش نیافته‌اند یا آن عقیده را نشناخته‌اند یا به آن ایدئولوژی نگرویده‌اند، انسانهای وحشی و عقب‌افتاده و ارتجاعی و مرتد و غیرعلمی و غیرمکتبی هستند، که البته این صفات بفرآخور زمان و شرایط اجتماعی و سیاسی همراه دهها صفت دیگر از سوی انحصارگران به دیگران ارزانی میگردد.**

راستی در اینست که نه نژاد و نه فرهنگ و نه علم همچون یکی از پایه‌های امروزی عقیده و ایدئولوژی، در ذات خود انحصارگری را ذخیره ندارد.

این انسان قدرت طلب یا جماعت و حکومت مبتنی بر قدرت است که برای دفاع از خود و طلب «حقانیت اجتماعی» از نژاد و دین و فرهنگ و علم مدد گرفته، بزبان دیگر آنها را نیز در خدمت قدرت و انحصارگری درآورده است.

ریشه بیماری در انسان زورمدار می‌باشد که یک روز ضحاک میشود، روزی دیگر فرعون و ابوجهل و یا آبتلا و چنگیزخان و هیتلر و استالین و جز آنها.

از هر یک از این زورمداران تاریخ اگر پرسیده شود که چرا، انسانهای روی زمین را به نابودی کشانید؟ هیچکدام نخواهند گفت. برای نفس خدایباری اینکه زورمدار بودم و خواستم زورم را به گرمی بنشانم، همه آنها پاسخ خواهند داد: که به دین خدای ما، به فرهنگ و آداب و رسوم انسانی ما، به نژاد ما، به ایدئولوژی رهائی بخش ما آسیب وارد میشد، برای خدمت به بشریت، این «حشرات الارض» را نابود کردیم و سرانجام همین کشندگان انسانها در تاریخ، طلبکار هم میشوند.

یعنی بقیه انسانها هم که هنوز چند نفسی از زندگی دارند، باید سپاسگزار این بزرگواران «بشر دوست» باشند.

در ایران نیز سابقه انحصارگری بس دراز است. گاه گروه اجتماعی خاص با تعلقات ارضی یا قبیله‌ای، حکومتگری را از خود میدانستند، زمانی با تثبیت به برداشت مذهبی، خود را «فرقه ناجیه» بشمار می‌آوردند، هنگامی بعنوان اروپادیدگی و تجددخواهی و فرنگی‌مآبی خود را شایسته اداره جامعه معرفی میکردند و در سالهای پیش بنام علم و تخصص تافته جدا بافته میشدند.

انقلاب اسلامی ملت ایران، امیدهایی در دل «دو خیان روی زمین» بوجود آورد و همگان با شادی فراوان بخود نوید آزادی دادند و میهن خود را در خط استقلال دانستند و عدالت گمشده قرن هابل هزارها را در سیمای نظام جدید بازبازی کردند.

اما بسیار زودتر از آنچه گمان میرفت، دیو مهیب و ویرانی‌آور انحصارگری، کار خویش را انجام داد و قدرت‌طلبان سیاسی در لواء «جمهوری اسلامی» خود را قیم جامعه دانستند و دیگران را نه تنها بنام «بی‌دین» و «نامسلمان» و «کافر» و «مشرک» و

«مرتد» و «مناقف» و «ملحد» کنار گذاشتند، بلکه در میان مسلمانان نیز تفرقه ایجاد کردند و بنامهای «مسلمان ملی» و «مسلمان لیبرال» و «مسلمان غیرمکتبی» و «مسلمان نه چندان مکتبی»، مبارزان و مجاهدان و پیکارگران با هابقیه را از صحنه خارج کردند و تنها قشر تسلیم و ناتوانی را بر مبنای زورمداری بنام «مسلمان مکتبی» به حکومت و اداره کشور برگزیدند و انحصارگری را به اعلا درجه خود رساندند و در نتیجه برغم تأکیدهای پی‌درپی امام خمینی، «وحدت کلمه» را در جامعه از میان برداشتند و کشور آشفته و ویران شده و بند از بند گسیخته کنونی را بوجود آوردند.

اما آنان که مخالف با انحصارگری هستند، چند گونه می‌باشند:

برخی از مخالفان انحصارگری، بعلت اینکه در قدرت نیستند، ضد انحصارگری می‌باشند بقول سعدی:

حاکمان در زمان معزولی

همه شلی و بایزید شوند  
- گروه حاکم زمان دولت موقت انقلاب، این توان را داشت که طومار تاریخی انحصارگری را یکباره پاره کند و نیروهای جوان و پاکباز و کاردان و پرهیزگار را در پهنه سازندگی‌ها قرار دهد. اما این کار را نکرد و در بندهای «دستهای» و «خوشاوندی» خود را اسیر کرد و نخستین هسته‌های نومیدی را در جامعه افشاند.

بعضی که خود سالها طعم زهر آگین انحصارگری را چشیده‌اند، بجای اینکه از فرصتهای انقلابی برای نابود کردن انحصارگری بهره‌گیری مبارزاتی بعمل آورند، در اولین حرکتهای با انتساب به مردی بزرگ چون مصدق که یکی از قهرمانان آزادی‌ساز و نیروهای نهفته جامعه ایرانی برای رسیدن به استقلال بود، وبسی شک سد بزرگ توسعه انحصارگری در مبین بشمار میرفت و سودجویی از نام پرافتخار او و «جبهه» رزمندگان طریقت رهائی بخش «ملی» او، بشیوه جدید و «دمکراتیک» نوع دیگری از انحصارگری را، چند صباحی در فضای سیاسی ایران رواج دادند.

این گروه‌های ضد انحصارگری، تا آنجا که انحصارگری برضد آنان باشد، آنرا ناشایست میدانند و زمانی که خود مجال پیدا کنند، انحصارگری را برضد دیگران، «مشروع» و «مترقی» نیز بشمار می‌آورند و باز بقول سعدی:

به بری مال مسلمان و چومالت ببرند

بانگ و فریاد برآری که مسلمانی نیست در رابطه با این گروه انحصارگر ضد انحصارگر می‌توان اضافه کرد:

گاه این گروه پرورش لازم اخلاقی را پیدا نکرده و به عبارت دیگر به ذات انحصارگر هستند و اگر بر ضد انحصارگری سخن می‌گویند فقط «تاکتیک سیاسی» است و در بطن و متن ایدئولوژی آنان و پیوندهای تقابلی، «انحصارگری» نهفته است و بزبان قرآن کریم «یقولون بالسننهم ما لیس فی قلوبهم»، یعنی بزبانهای خود مطالبی را میگویند که در قلبهای خود به آن اعتقاد ندارند، مبارزه ضد انحصارگری، برای آنان وسیله است تا رقیب سیاسی خود را از میدان بیرون کنند و خود بر مسند قدرت بنشینند. تبعیض عقیدتی بسیاری از نخله‌های سیاسی «توتالیترستی» و تحلیل روانی بسیاری از «چپ‌نمایان» روشنگر این امر می‌باشد.

نفوذ این گروه در «سازمان ملی دانشگاهیان ایران»، در آغاز انقلاب و حرکتهای پیشین آن نوعی

انحصارگری چشمگیر بوجود آورد که از درون سازمانی را که می‌توانست بگونه مغز اندیشمند جامعه در آید، با کمال تأسف به تلاشی انداخت و بسیاری از روشنفکران سازنده و متعهد جامعه را آواره و حیران کرد و گروهی را نیز بکام انحصارگران دیگر فرو غلطاند.

گاه برخی از انحصارگران در ذات انحصارگر نیستند اما بعلت عدم تداوم مبارزه با نفس اماره انحصارگری از یکسو و سلطه‌جویی و قدرت‌طلبی و زورمداری کانونهای انحصارگر از سوی دیگر، به میدان پیکار و تقابل کشیده میشوند و اندک اندک بگونه «دفاع» از خود این شیوه را آغاز میکنند و بمرور چون دیگران و شاید نه با رضایت کامل، در معرکه انحصارگری وارد میشوند.

روزنامه‌هایی در کشور با تیراز وسیع انتشار می‌یابند که می‌توانند به گونه قهرمان ضد انحصارگریها پا برجا بمانند و به عنوان عدم تعلق حزبی و گروهی و دستهای، بیانگر خواست عمومی مردم بشوند و از این طریق به همه حزبه‌ها و گروهها و دسته‌ها بیک اندازه متعلق باشند، اما در عمل دیده میشود که خبرها و آگاهی‌ها و اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و گزارشهایی در آن روزنامه‌ها نشر می‌یابند که دست‌چین شده می‌باشند و نشانه‌های «فرقه‌بازی» در آن به روشنی به چشم می‌خورد.

این نوع روزنامه‌ها زمانی که خود در خط نامبارک انحصارگری قرار میگیرند بطور شدید ناخوش آیند و دلخراش از آب در می‌آیند.

اما گروه‌ها یا بقول انحصارگران «گروهک»‌های سیاسی کشور، که خود در آتش جهنمی بزرگ انحصارگران مسلط میسوزند، چرا زمانی که می‌توانند دیگران درس اخلاق و عمل به ارزشها را بدهند و با انسانی‌ترین شیوه‌ها، هم روش مبارزه با انحصارگری را به پیروان خود بیاموزانند و هم آثاری را که تردید دارند به راه آورند، خود بنای انحصارگری میگذارند؟ چرا آنانکه در زمره استادان و روشنفکران جامعه هستند، همان کاری را انجام میدهند که «حماقداران» انحصارگران بزرگ، شب و روز در انجمنش تلاش می‌کنند؟

خانواده شهید «نجات‌الهی» بویژه مادر گرامیش از همه مردم ایران خواستند تا با احترام راه آن شهید بخون خفته میهن، در بهشت‌زها حاضر شوند و در کنار مزار او، یادش را زنده کنند. بسیار گسان، با نام و بی‌نام و گروه‌ها و سازمان‌ها و حزب‌ها شرکت کردند و اگر جو جامعه سالم و وسایل رفتمند فراهم بود بی‌شک جمعیتی بیش از آنچه که آمدند، بیاد استاد شهید خود در مزار شهدای انقلاب حاضر میشدند.

سخنان آقای نجات‌الهی بیاد کامران عزیز، در حدی بود که می‌توان بیان کرد عمومیت مبارزه را در برداشت.

صفت شهید بدرستی انتخاب شده بود «شهید آزادی و استقلال» یعنی خمیر مایه پیکار همه ایرانیان در دوره نظام سلطنت استبدادی وابسته به بیگانه. اما سخنرانیها و پیام‌دهندگان دیگر نه تنها از این فرصت به بهترین شیوه‌های اخلاقی برای مبارزه با انحصارگری سود نخواستند، بلکه میدان را برای انحصارگری خود مناسب تشخیص دادند و با تنگ نظری‌های رواج یافته در این جماعتها، تعلق عمومی و کلی شهید را از ملت برداشتند و به خود انتساب دادند.

بجای اینکه نقطه‌های ضعف دانشگاه‌های دوره وابستگی را بر شمرند و لزوم دگرگونیهای آموزشی

بود، میرفتند و لسی فرزندان خانواده‌های کم‌درآمد، چون نمیتوانستند شهریه بپردازند راهی آموزشگاههای دولتی میشدند.

نه تنها در روستا و شهرهای بزرگ و کوچک برای همه کودکان ایرانی به سن تحصیل رسیده، آموزشگاههای کافی وجود نداشت بلکه بسته به دولتی یا خصوصی بودن دبستانها و دبیرستانها از لحاظ امکانات آموزشی، تفاوت بارزی به چشم میخورد.

فرزندان خانواده‌های پردرآمد با دادن شهریه‌های کلان به آموزشگاههایی که دارای فضای بازو بهترین ساختمانها و همه‌گونه وسیله‌های آموزشی و آموزگاران و دبیران با تجربه

اشکار است که هر ملت دارای استقلال با توجه به ویژگیهای فرهنگی، سرزمینی و نیروی انسانی خود، هدفهایی را دنبال میکند و تنها با داشتن یک نظام آموزشی درست میتواند، رابطه معنوی میان نسلهای گذشته و حال و آینده را برقرار و در بعد زمان به این هدفها برسد.

چنین نظام آموزشی وظیفه دار پرورش همه استعدادها و آموزش کافی دادن به همگان در برش‌های سنی گوناگون برای بکار گرفتن آنها در رفع نیازمندیها و تأمین رشد اجتماعی، میباشد. در دوران قبل از انقلاب، خصلت نظام حاکم چنان بود که ناپرابریهای اجتماعی گوناگون را

اجرای طرح ذکر شده که در حقیقت ملی بودن همه نهادهای آموزشی به معنای درست راد بر دارد بی‌شک جهش بزرگی است به سوی همگانی و رایگان کردن آموزش به گونه‌ی حق انکار ناپذیر ایرانی.

ولی همسان سازی سطح پرورش و آموزش در سراسر کشور بدون آسیب رسانی به کیفیت آن، کار بسیار دشواری میباشد که بدون برنامه ریزی بنیادی شدنی نیست. کاربدستان وزارت آموزش و پرورش که در دایره تنگ انحصارگریها گیر کرده‌اند. با پاکسازی‌های غرض ورزانه به کادر آموزشی کشور لطمه سختی زدند.

را یاد آور شوند و راه تحقق انقلاب فرهنگی را در آموزش عالی بیان کنند، در سنگر ایدئولوژی خاص خود، موضعگیری غیر لازمی را در آن روز ارجمند بعمل آوردند که جای آن تنها در «سلول» حزبه‌های زیر زمینی بود و شاید نمی‌دانستند که گروه بزرگ انحصارگر، پیش از آنها، زمینسازی کرده و «برادران و خواهران» آماده‌ای را برای دفاع از خود در آرامگاه شهیدان حاضر ساخته است و اگر هشیاری برخی از گردانندگان یاد واره شهید نجات‌الهی، بمنصه ظهور نمی‌رسید، بیم توطئه‌های سهمناکتری میرفت که این روزها همانندش در بسیاری از گوشه‌های بیشتر شهرهای ایران بچشم میخورد.

در تاریخ آمده است که عربها در دوران جاهلیت در دام تکاثر مال و قدرت (اقتصاد و سیاست) آنچنان انحصارگرانه رفتار می‌کردند که گاه برای تفاخر بگورستان‌ها می‌رفتند و مرده‌های خود را می‌شمردند تا سهم هر کس که بیشتر شد، فزونتر تفاخر کند و بر خویشتن بیابد.

برخی از رفتارها که در روز یاد واره شهید نجات‌الهی دیده شد و نظیر آن در بسیاری از یادواره‌های دیگر هم دیده میشود، نشان میدهد که هنوز سلطه دوران جاهلیت عربها، بر حیات اجتماعی کنونی ایرانیان حکومت دارد و هنوز داعیه‌داران رهبری و روشنفکری جامعه نتوانستند قیدها و بندهای زبان‌بخش گذشته را پاره کنند و چنان انسانهای آزاد در برابر افق باز ابدیت به پرواز در آیند.

زمانی که در گوشه‌های شمار داده شد: «دانشگاه، این سنگر آزادی، گشوده باید گردد» و پس از چند دقیقه شمار دیگری از گوشه دیگر شنیده شد:

«دانشگاه آمریکائی نابود باید گردد» یا «دانشگاه اسلامی ایجاد باید گردد» بی‌فاصله برخی از کلامهای آسمانی بذهن متبادر گردید: «قالت اليهود لیست النصارى علی شیئی» و «قالت النصارى لیست اليهود علی شیئی»!

یهودیان فریاد زدند مرده باد انصاری و نصرانیان فریاد زدند مرده باد یهود. اما نه یهودی میدانست که نصاری چیست و چه میگوید و نه نصرانی میدانست یهودیت چیست و چه میگوید بقول مولا:

از خیالی صلحشان و جنگشان

و ز خیالی نامشان و تنگشان  
آیا ما، هنوز در همان روزگاران بسر می‌بریم؟ آیا هنوز هم قدرت تفاهم پیدا نکردیم؟ تاکی بدیها را در دیگران می‌بینیم، اما از دیدن بدیهای خود ناتوان هستیم؟ تاکی قدرت دیدن خوبیهای دیگران را نداریم؟

آیا تنها ما خوب هستیم و دیگران بد؟ آیا فقط راه و روش ما درست است؟ آیا ما «بستر» از دیگران هستیم و قیم همه «جن و انس» بشمار میرویم؟

بد نیست که چشمهای خود را باز کنیم و دشمن را از نزدیک ببینیم.

پیش از کشیدن شمشیر علیه انحصارگران، انحصارگری را بشناسیم و بکشیم تا ریشه این درد اجتماعی را که در همه گروهها وجود دارد، بسوزانیم. واقعه‌هایی از آنگونه که ذکر شد، نشان میدهد که با تمام ویرانگریهای انحصارگران، هنوز هم بیدار نشده‌ایم، حتی روشنفکران ما و دانشگاهیان ما، آنانکه چشم امید آینده ایران باید باشند.

هنوز هم نمی‌توانیم ساخته شویم و بسازیم، باهم و در کنار هم، یکدل و صمیم و در غیر اینصورت بشنویم از لسان القیب که فرمود:

شره‌مان باد ز شمیمه آلوده خویش

گر بدین فضل و هنر نام گرامات بریم-

باتجربه حتی مدیران و ناظماتی که سالها سابقه درپایه گذاری و گرداندن مدرسه‌های خصوصی و دولتی داشته‌اند با هر عنوان و نیز بی‌استفاده گذاردن وسیله‌های آموزشی مدرسه‌های ملی شده به هر جهت هرگز نمیتواند به برنامه همسانی سطح آموزش کشور کوچکترین باوری دهد.

چنین برنامه‌های باید با بهره‌گیری از همه وسیله‌ها و امکانات به اجرا درآید تا کیفیت آموزش کاسته نگردد.

تاکنون شیوه‌های به کار گرفته شده، همه با آنچنان کوتاه نظریهایی همراه بود که ارج ملی کردن و همسان سازی آموزش را هم به خطر انداخته است.

باید بی‌درنگ این شیوه‌های نادرست را کنار گذارد و با پدید آوردن دگرگونیهای ضروری در نظام آموزشی و سپردن کارها به کسانی که هم به جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران پای‌بندند و هم از دانش و آزمون بسنده برخوردار میباشند، بازسازی این اصلی‌ترین زمینه زندگی اجتماعی را آغاز کرد. باید راهی تازه بر آموزش کشور گشود تا بتوان با رشدی درونزا هرچه زودتر از مرحله بررسی مفهومهای نظری گذشت و به مرحلهی کاربست واقعی امکاناتی که همگانی و همسانی آموزش را عرضه میدارد، رسید. کنار زدن آموزگاران و دبیران

پیروزی...

س- آیا بجز ایران کشورهای اسلامی دیگر به شما کمک کرده‌اند؟

ج- هیچگونه کمکی بجز از جمهوری اسلامی ایران بمانده است. در جنگهای چریکی خود کرد بما کمک خواهد کرد.

اگر بخواهیم خود به تنهایی بر ضد دولت عراق جنگ کنیم همیشه روشمان پارتیزانی بوده و قادریم تا به کمک مردم به پیروزی نهائی برسیم.

ولی از آنجا که دشمن مشترک است پشتیبانی دولت ایران از حزب دموکرات کردستان عراق میتواند هر چه زودتر رژیم بعثی عراق را از بین ببرد و همه را از شر آن آزاد کند.

حزب دموکرات کردستان عراق حتی قادر بوده‌اند تا اسلحه و مهمات خود را با عملیات پارتیزانی از نیروهای بعثی عراق بدست آورند.

س- حمله شما از غرب (منطقه حاج عمران) چه تاثیری در جبهه‌های دیگر خواهد گذارد؟

ج- صدام تکریتی بی خواهد برد که تنها در ناحیه خوزستان نیست بلکه در جبهه‌های دیگر از طرف ایران و سایر گروهها به خاک عراق حمله شده و باعث بخطر افتادن مناطق نفتخیز آن کشور خواهد شد.

س: پس از عقد قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر چرا شما به مبارزه خود در داخل عراق ادامه ندادید؟

ج: چون سه دولت عراق، ایران و ترکیه بسرکردگی آمریکا برای محو کامل کردهای عراق متحد شده بودند و ادامه مبارزه با حمله از طرف سه دولت مذکور روبرو بود از طرفی در برف و سرمای موسمی تنها مدت یک هفته به مهلت دادند که از مرز ایران بگذریم، هیچ چاره‌ای جز پناهنده شدن به ایران نداشتیم و مرحوم ملامصطفی بارزانی بر این عقیده بود که پناهنده شدن به ایران در آن موقعیت حساس امید وامکان ادامه مبارزه را در آینده حفظ خواهد کرد و در صورت بوجود آمدن موقعیت مقتضی مبارزه بازم تشدید خواهد شد.

در ضمن در آن هنگام شاه یک لشکر به پیرانشهر منتقل نمود تا در صورت مقاومت، ایران در یکسو و عراق و ترکیه از دو سوی دیگر با حمله یکزمان کردها را بطور کلی قتل عام نمایند.

س: بنظر شما صدام حسین چه مدت دیگر باقی خواهد ماند؟

ج: اگر نیروهای مخالف صدام تکریتی با یکدیگر متحد شدند عمر آن خیلی کوتاهتر خواهد شد.

نیروهای ظاهر مخالف با رژیم بعثی در عراق تنها حرف میرنند ولی هیچگونه کاری انجام نمیدهند ولی ما در ماه گذشته رو در رو با این رژیم جنگیده و ضربات سختی هم بر آن وارد نمودیم گاهی برای ضربه زدن به صدام تکریتی می‌خواهیم با نیروهای دیگر همکاری لازم را بکنیم ولی می‌بینیم که حرف زدن و عمل نکردن آنها ما را هم از کارمان عقب می‌اندازد لذا ترجیح میدهم که حداقل کار خود را ادامه بدهیم حتی اگر جنگ هم با ایران خاتمه پیدا کند بازم صدام تکریتی وجهه خود را در نزد مردم عراق از دست داده و بایستی از صحنه خارج شود.

نظام بیمه‌های اجتماعی

کارگران که سازمان اجرا کننده آن از بدو تاسیس تاکنون دستخوش دگرگونی‌های زیادی گردیده و هر چند یکبار در اختیار وزارتخانه خاصی قرار میگرفته و با سلیقه و روش تازه‌ای تغییر شکل میداده از روز نخست حکایت از نارسائی‌ها و تنگناهای فراوانی مینماید. این قانون که باید شامل کلیه کارگران ایران باشد با افسوس تاکنون فقط کارگران شاغل در بخش صنعت و خدمات را در بر گرفته و قشر بزرگی از کارگران کشور را که در بخش کشاورزی شاغل هستند بزیر پوشش حمایت خود در نیآورده است.

در گذشته چنین بوده و پس از پیروزی انقلاب نیز این روش ادامه یافته و با آنکه اصل بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت اعلام میدارد که برخوردار از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه حقیقی است همگانی «روشن نمی‌باشد که چرا کار بدستان و اجرا کنندگان قانون قشر بزرگی از کارگران را در عمل از این حق محروم میدارند».

در مورد قانون تأمین اجتماعی که سازمانده قانونهای گذشته میباشد. سخن بسیار است این قانون طبق ضابطه‌هایی که در آن تعیین گردیده رقمی برابر با سی درصد از دستمزد کارگر به حق بیمه اختصاص داده است که هفت درصد آن از کارگر و بیست درصد از کارفرما دریافت میگردد و درست نیز سه درصد بدان می‌افزاید.

سازمان تأمین اجتماعی با وجود چنین حق بیمه سنگینی، سرویسی غیر کافی به کارگران عرضه میدارد و سبب نارضایتی کلیه آنها را فراهم آورده است. لازم بتذکر است که در موقع تدوین این قانون که نزدیک به سه دهه از عمر آن میگذرد حق بیمه به عنوان آزمایشی برای مدت کوتاهی پیش‌بینی شده بوده، که سپس بررسی گردد و به احتمال نقیص‌های آن برطرف گردد ولی از آنجائیکه پایه‌های نظام گذشته براجحاف و ظلم قرار داشت حق بیمه سترسام‌آور آزمایشی نه تنها بررسی و براساس عدالت تعیین نگردیده بلکه تا امروز نیز از کارگر و کارفرما دریافت میشود. و در برابر حداقل سرویس در تمام سطحهای شغلی به کارگر عرضه میشود.

حق بیمه‌ای که از کارگران و کارفرمایان در ایران گرفته میشود در ردیف گرانترین و بالاترین نرخ بیمه در جهان قرار دارد، در صورتیکه تأمین اجتماعی جزو خدماتی است که در بسیاری از کشورها در برابر دریافت نرخی بسیار پائین در اختیار مردم بخصوص کارگران گذارده میگردد و بنیادها و سودخواهی‌های بیمه‌گری در آن رعایت نمیشود، زیرا قسمتی از آن که سرویس و خدمات پزشکی باشد در بسیاری از نظامهای حکومتی به رایگان در اختیار مردم قرار داده میشود و دولتها

فرزندان ملت در هنگام جوانی و توانمندی استفاده نمود و در آغاز پیری بدون هیچ نوع تأمینی در اجتماع رها کرد، در جامعه کارگران شاغل در بخش کشاورزی نظایری بشمار وجود دارد که پس از سی تا چهل سال کار خلاقه و سنگین بدون دریافت غرامت و یا داشتن حقوق بازنشستگی اخراج و در صورت نداشتن نزدیکی که از آنها پذیرائی نماید روزگار نابسامانی را سپری مینمایند، داشتن کار و استفاده از مزایای بازنشستگی از جمله حقوق اولیه انسانها در جامعه کنونی بشری بشمار می‌آید ولی این حق مسلم در ایران برای کارگران شاغل در بخش کشاورزی و دامپروری در نظر گرفته نشده است.

این کارگران که عده آنها شمار بزرگی را نشان میدهد و از خود دارای آب و زهمین نمی‌باشند و در واحدهای کشاورزی، و دامپروری و مرغداری اشتغال دارند، فقط برابر دریافت دستمزدی بکار می‌پردازند و از نیازمندترین گروههای کارگری کشور بشمار می‌آیند و برقراری نظام تأمین اجتماعی برای آنان باید از ضروری‌ترین و اجتناب ناپذیرترین اقدامات تلقی شود.

لازم به تذکر است که دستمزد کارگر شاغل در بخش کشاورزی در سطح پائین‌تر مزدی قرار داشته و باتوجه به سختی کار و نیازی که کشور به کار در این بخش دارد و باتوجه به اولویت کشاورزی که بی‌نیازی در این بخش عامل اصلی کلیه نوابستگی‌ها بشمار می‌آید، شایسته است، کار بدستان کنونی چون گذشتگان عمل نمایند و جهت گذران زندگی و تأمین رفاهی این قشر بزرگ کارگری اقدام سریع کنند، بخصوص که در رسانه‌های گروهی اعلام گردید چند نفر از کاربدستان هیئت دولت جهت بررسی بیمه‌های اجتماعی کارگران و رسیدگی به نارسائی‌های آن نشستاتی خواهند داشت، شایسته است این کاربدستان در درجه نخست فراموش نکنند که گروه عظیمی از مردم ایران در بخش کشاورزی شاغل می‌باشند و از مزایای کمتری نسبت به برادران خود که در بخش صنعت شاغل هستند، برخوردارند و حق مسلم آنهاست که زیر پوشش قانون تأمین اجتماعی قرار گیرند.

بطور کلی خواست کارگران اینستکه با تعیین نرخ بیمه متعادل در برابر ارائه سرویس منظم به نابسامانها پایان داده شود. نیازهای کارگران ایران شناخته گردد و نمایندگان واقعی آنها در تدوین و تنظیم قانونهای مربوط خود شرکت داده شوند و فراموش نگردد که گسترش کامل بیمه‌های اجتماعی در کلیه سطحهای جامعه از نخستین وظایف دولت بشمار می‌آید و حق خواستن و درمان و پرورش و آموزش رایگان حقیقی است که همه فرزندان ایران باید از آن برخوردار گردند.

نکته‌ها...

خبر داریم تا خبر!!!

«آنچه در زیر به نظر شما میرسد خبری است که دوررنامه از یک مراسم تهیه و به چاپ رسانده‌اند. ما کشف خبر صحیح را به عهده‌ی شما می‌گذاریم!!!»

**یزد در سوگ ۶ پاسدار شهید تعطیل شد**

یزد- خبرنگار کیهان- بمناسبت شهادت ۶ نفر از پاسداران یزدی که در جبهه آبادان بشهادت رسیده‌اند در یزد عزای عمومی اعلام شد و این شهر بحالت تعطیل درآمد.

بهمن مناسبت هزاران نفر از طبقات مختلف مردم از خانه شهدا باسای سیدابوالفضل حسینی، مهدی سیفی، قاسم مختاری، محمد کوهی و احمد دهقان بسمت مقر سپاه پاسداران رفتند و دست به راهپیمائی زدند. آنگاه در مراسم ویژه‌ای که از طرف سپاه پاسداران ترتیب یافته بود، شرکت کردند.

در این مراسم استاد فخرالدین حجازی سخنانی ایراد کرد و در پایان قطعنامه‌ای به این شرح صادر شد:

۱- ما پیروی خط امام را که پیروی خط امامان و صراط مستقیم خداست بر خود فریضه میدانیم.

۲- ما فرمان امام را به عنوان فرمان قرآن و مکتب به جان می‌پذیریم و پیروی میکنیم.

۳- آمادگی همیشگی خود را در نبرد با بیگانگان تا پای جان اعلام میداریم.

۴- حمایت خود را از روحانیت مبارز و مسئول اعلام میداریم.

۵- حمایت خود را از همه ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی اعلام میداریم.

۶- هرگونه توطئه نفاق‌افکنانه‌ای را که موجب تفرقه امت مسلم باشد شدت محکوم میکنیم.

مردم یزد با هوشیاری نقشه فرصت‌طلبان و انحصارطلبان را خنثی کردند

یزد- خبرنگار انقلاب اسلامی: بمناسبت هفتمین روز شهادت شش تن از پاسداران انقلاب اسلامی یزد که در جبهه‌های نبرد حق و باطل به شهادت رسیده بودند، روز گذشته مدارس، بازار و بیشتر مغازه‌های یزد به حالت تعطیل درآمد و مردم مسلمان و متعهد با دادن شعارهایی مبنی بر محکوم کردن رژیم مزدور بعث عراق دست به راهپیمائی با شکوهی زده و پس از آن در مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یزد اجتماع نمودند.

بنابراین گزارش در این اجتماع ابتدا یکی از پاسداران به ایراد سخنان تفرقه‌انگیز و وحدت‌شکن پرداخت و با سوءاستفاده از موقعیت و اجتماع مردم برای گرامیداشت خاطره شهدای انقلاب اسلامی سخنانی علیه رئیس جمهوری منتخب مردم و روزنامه انقلاب اسلامی ایراد کرد که موجب تأثر و تأسف شد شرکت کنندگان در مراسم گردید اما مردم بناس احترام خون شهدا و حفظ وحدت در این زمان حساس و سرنوشت‌ساز کشور اعتراضی نمودند هر چند که عده‌ای معدود و وابسته به یک حزب خاص سخنان، سخنان را تایید میکردند سخنان که همچنان بی‌اعتناء به عواطف و احساسات مردم به سخنان تفرقه‌انگیز خود ادامه میداد سرانجام اعتراض خاوران محترم شرکت کنندگان در مراسم را موجب شد که ابتداء آنان با شعارهای کوبنده خود چون «بنی‌صدر» «بنی‌صدر» «حمايت مي‌كنيم» پشتیبانی قاطع خود را از ریاست جمهوری و فرمانده کل قوا اعلام داشتند و در پی آن تمام جمعیت با تکرار شعار بنی‌صدر بنی‌صدر، حمایت میکنیم پشتیبانی و حمایت خود را از ریاست جمهوری منتخب خود و فرمانده کل قوا ابراز داشتند. فرصت‌طلبان که با عکس‌العمل شدید مردم مواجه شده بودند برای فرودنشاندن خشم خود مبادرت به پاره کردن عکس ریاست جمهوری و فرمانده کل قوا نمودند که این عمل اعتراضی بیکار چه مردم را در پی داشت و برای لحظاتی مراسم متشنج شد که تلاش گسترده و فعالانه مامورین انتظامات از جمله برادران سپاه پاسداران موجب جلوگیری از تشدید دامنه تشنج گردید که با شروع سخنرانی آقای فخرالدین حجازی نماینده مجلس شورای اسلامی بار دیگر آرامش به مراسم بازگشت.

**آرمان ملت**

**ارگان حزب ملت ایران**

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳ خیابان سبهدفنی خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

**همرزم ارجمند صفر نامورنیا**

در گذشت شادروان باقر بزرگ را به شما تسلیت می‌گویم

**شورای کارگران سازمان شهرستان تهران**

حزب ملت ایران

از خبرهای هفته

تصمیم به انفصال خانمهای کارمند در شرکت مخابرات

باردید مدیر امور نگهداری تلفن تهران از یکی از ناحیه‌های این اداره، تصمیم به «انفصال» هشت تن خانمهای کارمند را در پی داشت که تاکنون حکم چهار تن از آنها صادر شده است.

دست‌آویز صادر کردن حکم‌های انفصال، طرز پوشش و شکل ظاهر این خانمهای کارمند قرار داده شده است بی آنکه به کیفیت و بارده کار آنها کمترین توجهی گردد.

گویا اعتراض نسبت به حکمهای صادر شده و تماس با دفتر مدیر عامل و نخست‌وزیر و رئیس جمهور تاکنون نتیجه‌ای نداشته است و مدیر امور نگهداری از پذیرفتن این خانمها نیز خودداری کرده است.

دانستنی میباشد که وجود این خانمهای کارمند دور از دسته‌بندیهای اداری از رونق بازار دلال‌ها و واسطه‌های خرید تلفن بسیار کاسته و کسانی را هم که در درون سازمان دست‌های پنهانی با آنها دارند بسختی ناخشنود ساخته و میکوشند تا خانمهای کارمند را به اتهام‌های واهی از فضای کار خود دور کنند.

اجتماع اعتراض آمیز افغانها

روز شنبه هشتم دی ماه برابر با نخستین سالگرد اشغال نظامی افغانستان به وسیله ارتش سرخ، شمار بسیاری از افغانی‌های ساکن تهران در برابر سفارت روسیه گرد آمدند و نفرت و خشم خویش را از ادامه تجاوز به سرزمین خود با شعارهای آتشین ابراز نمودند.

تظاهر کنندگان پرچم روسیه را به آتش کشیدند و نزدیک به صد تن آنها نیز به داخل سفارت هجوم بردند و با پرتاب سنگ شیشه‌ها را شکستند که دخالت نیروهای انتظامی و شلیک چند تیره‌وایی به خارج شدن آنان انجامید.

پس از پایان برنامه پرچم سوزان، یک روحانی افغانی طی سخنانی بشدت اشغال نظامی افغانستان را محکوم کرد.

سخنان این روحانی با شعارهای «افغانستان را گورستان اشغالگران روسی می‌کنیم» «مرگ بر آمریکا» «مرگ بر روسیه» «روسها به خانه‌ی خود برگردید» که توسط اجتماع کنندگان تکرار میشد، پایان یافت.

سپس دو تن دیگر از افغانها سخنان پرشوری پیرامون وضع خونبار کشور خود ایراد کردند.

در میان تظاهر کنندگان چند داوطلب افغانی که از جبهه جنگ با تجاوزگران عراقی بازگشته بودند، دیده می‌شدند. یکی از داوطلبان به خبرنگار آرمان ملت اظهار داشت «که نبرد ایرانیان را با مزدوران عراقی، جدا از سرنوشت خود نمی‌داند».

پس از پایان سخنرانیها، گروهی از تظاهر کنندگان به سوی سفارت افغانستان رفتند و گروهی به عنوان اعتراض در برابر سفارت روسیه نشستند.

اعلامیه در سالگرد اشغال افغانستان

از سوی جمعیت علمای حزب حرکت انقلاب اسلامی افغانستان به مناسبت ششم دیمتسالگرد اشغال نظامی افغانستان به وسیله ارتش سرخ اعلامیه‌ای داده شد که در آن آمده است، «تا امروز روس‌ها بیش از یک میلیون مردم آزاد و حق‌پرست ما را به آتش و خون غرق کرده‌اند. تا این روز بیش از سی درصد منازل ما را در سراسر افغانستان زیر تانکها، هلیکوپترهای توپدار و بمب‌های خوشه‌ای خویش به آتش کشیده‌اند. همین امروز حداقل دو میلیون مسلمان افغانستان در داخل افغانستان به صورت قبیح و غیرانسانی بی‌خانمان گردیده‌اند که حتی توان گریز را هم نداشته و برهنه و بدون سرپناه بسز می‌برند.»

در این اعلامیه به بشردوستان هشدار داده شده که پیمان که همواره سنگ صلح به سینه می‌کوبند در مقابل آزادیخواهی مردم افغانستان چه می‌کنند! این نتیجه‌گیری نموده که «ایا باید در برابر اینهمه تجاوز و اینهمه مظلومیت ساکت بود؟»

و سرانجام اعلامیه چنین پایان میابد «ما مردم بخون خفته و به آتش کشیده شده افغانستان باز هم به همه سلطه‌گران جهان اعلام می‌داریم که در مقابل این هجوم و تجاوز بیش‌ترمانه ابرقدرت سوسیال فاشیست روسی تا آخرین نفس و تا آخرین نفر از پای نخواهیم نشست.

روس‌ها از ملک ما بیرون شوید ورنه غرق رودبار خون شوید این بغارا نیست، خاک آریاست مهد شیر و مین شمشیر هاست»

تذکر اعتراض آیت‌الله لاهوتی

هفته گذشته آیت‌الله لاهوتی نماینده رشت یادداشت زیر را جهت خواندن در جلسه علمی، خطاب به رئیس مجلس ارسال داشت.

«بسمه تعالی- ریاست محترم مجلس شورای اسلامی- در اعتراض به نطق قبل از دستور آقای البوری، که حاصلی جز ایجاد تفرقه نداشت متذکر میشوم مگر رئیس جمهور از

از ادیب برومند شاعر ملی

«ای دلیران وطن...»

ای دلیران وطن روی به پیکار کنید خاک ایران تهی از دشمن خونخوار کنید حمله ور گشت به مالشکر صدام پلید بهر دفعش ز دل و جان همه پیکار کنید گشت همسایه دون پایه گرانتر با ما دفع ناجوری این جن جبار سبکسار کنید دولتی خرد و زبون زیر نفوذ زر و زور چون بر آشفست بما کار و را زار کنید ای جوانان دلاور ز پی دفع «عراق» عرق ملی بستن اندر، همه بیدار کنید خیره صدام نگون بخت بما صدمه زن است مسندش را به دو صد صدمه نگونسار کنید غلطی کرد فزون از دهن خویش خبیث دهنش خرد دو سرش برزبردار کنید خصم غافل سپراندازی ماسهل انگاشت کار بر دشمن غفلت زده دشوار کنید جان نهاده بکف و حمله‌ور از چار طرف تازیان را بدر از معرکه ناچار کنید روز جنگ است شما نادره مردان رشید سزد از همت مردانه پدیدار کنید بدمد کاری نیروی (هوانیروزی) روز نیروی عدو را چو شب تار کنید همه همدست به امداد قوای «زرهی» بر صف خصم دغل، حمله به یکبار کنید خاک مین همه سازید بر او دام هلاک به گریزش ز چنین مهلکه وادار کنید سیل جوشنده بود همت کوشنده‌ی جنگ ای بچنگ آمدگان، کوشش بسیار کنید تانگردد زسرف پیکر هستی تان عور یاد ازین نکته‌ی (السنار و لالاعمار) کنید بهر دیدار عروس ظفر از حمله بخت با همه صف شکنی، تکیه به دادار کنید آتشین شعر تو کوبنده سلاح است «ادیب» حمله بر خصم بدین حره‌ی خونبار کنید

رادیو وتلوویزیون نخواست که نوار سخنرانی دونفر در مشهد را که متهم به جسارت به مقام ولایت فقیه و روحانیت اصیل بوده از رادیو وتلوویزیون پخش گردد و مگر از وزیر محترم کشور نخواست که گزارشات مقامات انتظامی مشهد را پخش کنند تا مردم ما بدانند که حادثه‌آفرینان چه گروهی هستند من بعنوان یکی از دومتهم اصلی حادثه مشهد از جنابعالی مصرأ می‌خواهم یا به خود اینجانب فرصت داده شود که در مجلس شورای اسلامی مسائل را مطرح کنم و یا شما دستور بفرمائید که متن سخنرانی را از رادیو جهت آگاهی مردم پخش کنند. ضمناً به چند نفر از برادران پاسدار مامور مجلس تذکر بدهید که بیش از حد معمول فحاشی و هتاکی نکنند. از جنابعالی بعنوان همکار ومدافع حقوق نمایندگان می‌خواهم عین نامه را در مجلس قرائت فرمائید. در غیر اینصورت لاعلاج برای درج به روزنامه‌ها ارسال میگردد.» بدیهی است درج این نامه در آرمان ملت به این معنی می‌باشد که در جلسه علمی مجلس خوانده نشده است.

حکم نخست وزیر، بی‌اعتبار است

بدنبال انتصاب مدیر عامل جدید بانک ملی ایران از سوی نخست وزیر، متن زیر از سوی دکتر ابوالحسن بنی صدر، در توضیح غیرقانونی این انتصاب انتشار یافت:

آقای محمدعلی رجائی، نخست وزیر طبق ماده شش لایحه قانونی اداره بانکها و متمم آن (مصوب مهرماه و آبانماه ۱۳۵۸) مدیران عامل بانکهای تجاری، منجمله بانک ملی ایران به پیشنهاد وزیر بازرگانی از طرف مجمع عمومی بانکها انتخاب میشود و احکام انتصاب آنان به امضاء وزیر امور اقتصادی و دارائی میرسد.

در حال حاضر دو وزیر مذکور انتخاب نشده‌اند و مجمع عمومی بانکها نیز بعلت عدم انتخاب بعضی از اعضاء تشکیل نمیشود. نخست وزیر هم نمیتواند قائم مقام و جانشین آنها باشد.

بنابراین انتصاب مدیر عامل بانک ملی از طرف شما مخالف قانون و بی‌اعتبار است درمورد انتصاب غیرقانونی معاونین وزارتخانه‌های بی‌وزیر نیز بجز شما تذکر دادم، متأسفانه موثر واقع نشد.

یافشاری در ارتکاب اعمال خلاف قانون در شان یک نخست وزیر نیست.

تبعیت از قانون وظیفه همه افراد است، بخصوص نخست وزیر باید بیش از دیگران احترام قانون را مرعی دارد.» بقیه در صفحه سوم

از نامه‌ها و نوشتارهای رسیده آقای عبدالقادر قادری عضو شورای منتخب مساجد مهاباد

در نامه‌ای خطاب به ریاست جمهوری اسلامی ایران که رونوشت آن برای آرمان ملت فرستاده شده است می‌نویسد: «بیش از مدت هشتماه است که شهر مهاباد در محاصره اقتصادی قرار گرفته و خطر قحطی و نابودی سراسر مسقطه بخصوص شهرستان مهاباد و روستاهای اطراف آن را تهدید مینماید در حالیکه حدود سه ماه هست که ارتش و سپاه پاسداران به کمک اهالی بیدفاع و روحانیون و شورای منتخب مساجد در مهاباد مستقر می‌باشند و در اثر جنگ ناخواسته‌ای که بسود امپریالیسم امریکا و عمال داخلی در جهت تضعیف انقلاب بر ما تحمیل شده هزارها خانه و کاشانه ویران، بسیاری از موسسات دولتی و مدارس با خاک یکسان گشته و صدها جوان و پیر و زن و کودک بی‌گناه جان خود را از دست داده‌اند.»

در خلال این مدت تمام ادارات دولتی و مدارس بسته و کارهای اقتصادی در عمل فلج گردیده که این خود یک نوع کمک به ضدانقلاب است.»

در جای دیگر این نامه مینویسد «ترسم از آن است که خدای نخواستہ فرصت مناسبی که با کمک اهالی و شورای مساجد و عده‌ای از پاسداران از جان گذشته فراهم آمده از بین برود و جو بدبینی در توده مردم بوجود آید...» برای رفع تشنج هم‌چنانکه بارها به مسئولین امر درمحل پیشنهاد نموده‌ام سه اصل ضروری است، اصل اول که در درجه بالای اهیت قرار دارد عفو عمومی از طرف امام امت، اصل دوم اجرای صحیح فرمان تاریخی امام خمینی و گذشت و فداکاری و عطوفت اسلامی از طرف مسئولان و مامورین نسبت به این مردم و اصل سوم از بی‌تفاوتی در آمدن اهالی و طرد افراد ضد انقلاب.»

نویسنده پس از ابراز این نظر که در اثر اجرای دستورهای قرآن و دو اصل اول و دوم، اصل سوم خود بخود به وجود خواهد آمد.

در بخش دیگری از نامه مینویسد «دهقانان این مرز و بوم از ساده‌ترین وسایل زندگی محرومند، کشاورزی نشده و مختصر محصولی هم که با شقت بدست آمده بود در اثر این جنگ ناخواسته از بین رفت، مردم مهاباد در هر شرایط، جنگ و اغتشاش داخلی و برادر کشی را محکوم می‌کنند و آنرا به سود امپریالیسم جهانی می‌دانند.»

مردم مهاباد معتقدند که ما ایرانی هستیم و ایرانی خواهیم بود و هرگز کردستانی بدون ایران و ایرانی بدون خوزستان نخواهند خواست و از جمهوری اسلامی و اجرای دستورات حقه قرآن کاملاً پشتیبانی می‌کنند و حاضرند دوشادوش برادران نظامی و پاسداران برای دفاع از تمامیت ارضی ایران عزیز به میدان نبرد بروند و بیگانگان و مزدوران بعثی را به سزای اعمال خود برسانند» در پایان این نامه از رئیس جمهور خواسته شده تا «خواسته‌های مشروع این مردم را به استحضار امام» برساند.

نویسنده نامه برای پایان دادن به این وضع پیشنهاد کرده «هیاتی را برای بررسی وقایع اخیر مهاباد» اعزام دارند و همچنین تاکید نموده «که مدارس و ادارات باز، تلفن و وسائل ارتباط جمعی به حال اولیه باز گردد، تصویقات اقتصادی، که تاکنون به نفع ضدانقلاب بوده و دود آن به چشم مردم مسلمان و بی‌دفاع رفته برای همیشه شکسته شود.»

نوشتاری با امضای محفوظ نوشتاری زیر عنوان «بحران ناراضی» که تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۷ را دارد با امضای محفوظ به دفتر روزنامه رسیده است که چون آرمان ملت از گان حزب ملت ایران میباشد با آرمانها و دیدگاه‌های ویژه از درج آن به سبب داشتن نقطه نظرهای دیگر با پوزش از نویسنده گرامی، خودداری میگردد.

نوشتاری با امضای محفوظ نوشتاری زیر عنوان «بحران ناراضی» که تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۷ را دارد با امضای محفوظ به دفتر روزنامه رسیده است که چون آرمان ملت از گان حزب ملت ایران میباشد با آرمانها و دیدگاه‌های ویژه از درج آن به سبب داشتن نقطه نظرهای دیگر با پوزش از نویسنده گرامی، خودداری میگردد.

نوشتاری با امضای محفوظ نوشتاری زیر عنوان «بحران ناراضی» که تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۷ را دارد با امضای محفوظ به دفتر روزنامه رسیده است که چون آرمان ملت از گان حزب ملت ایران میباشد با آرمانها و دیدگاه‌های ویژه از درج آن به سبب داشتن نقطه نظرهای دیگر با پوزش از نویسنده گرامی، خودداری میگردد.

نوشتاری با امضای محفوظ نوشتاری زیر عنوان «بحران ناراضی» که تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۷ را دارد با امضای محفوظ به دفتر روزنامه رسیده است که چون آرمان ملت از گان حزب ملت ایران میباشد با آرمانها و دیدگاه‌های ویژه از درج آن به سبب داشتن نقطه نظرهای دیگر با پوزش از نویسنده گرامی، خودداری میگردد.

در حاشیه جنگ ایران و عراق

لئونید برژنف دبیر کل حزب کمونیست روسیه، حمایت خود را از انجام مذاکرات میان عراق و ایران، برای پایان دادن به جنگ، اعلام کرد.

وی با ذکر این مسئله که عراق و ایران هر دو از دوستان شوروی میباشدند افزود بنظر نمیرسد که این جنگ صرفاً بخاطر یک سو، تفاهم تأسف‌آور بوجود آمده باشد.

هفته گذشته سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق، با ادموند ماسکی، وزیر خارجه آمریکا، در نیویورک ملاقات و گفتگو کرد.

ناظران سیاسی معتقد هستند این ملاقات آغاز تلاش آمریکا برای پایان دادن به جنگ عراق با ایران است.

در اعلامیه مشترک که در پایان دیدار «نگوین جیاب»، معاون نخست‌وزیر، ویتنام از الجزایر منتشر شد، ویتنام و الجزایر ایجاد پایگاههای نظامی در خلیج فارس را تقبیح کرده و از ایران و عراق خواسته‌اند راه‌حلی صلح‌آمیز برای اختلاف‌هایشان پیدا کنند.

بقیه در صفحه سوم

حکومت نژاد گرای بعث عراق را باید سرنگون کرد.